

عنوان نشست: پویاسازی نظام آموزشی دوره متوسطه

واحد برگزار کننده نشست:	دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی
مسئول نشست:	دکتر عباس عباس‌پور (عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)
تاریخ برگزاری نشست:	۱۴۰۳/۱۱/۰۷
اعضای هیئت علمی دانشگاه:	دکتر عباس عباس‌پور (استاد گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی)، دکتر علیرضا صادقی (رئیس دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی و دانشیار گروه برنامه‌ریزی درسی)، دکتر مصطفی قادری (دانشیار گروه برنامه‌ریزی درسی)، دکتر علی خورسندی طاسکوه (دانشیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی) و دکتر صمد برزوین (استادیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی) و دکتر حسن فاضلی (دبیر اجرایی نشست)
اعضای هیئت علمی خارج از دانشگاه و نمایندگان دستگاه‌های اجرایی مرتبط:	مهندس هادی عزیززاده (دبیر کل اسبق شورای عالی آموزش و پرورش و معاون سازمان آیسسکو)، دکتر محمود مهرمحمدی (استاد گروه علوم تربیتی دانشگاه تربیت مدرس)، دکتر زهرا گویا (استاد گروه آموزش ریاضی و برنامه‌ریزی درسی دانشگاه شهید بهشتی)، دکتر مجتبی امیری (رئیس دانشکده حکمرانی و استاد دانشکده‌گان مدیریت دانشگاه تهران) دکتر محمود ابوالقاسمی (دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی)، دکتر احمد نویدی (دانشیار پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش).
مسئله محوری نشست:	گسترش بی‌رویه و بی‌پروای آموزش و پرورش، بدون توجه شایسته به پیش‌بینی منابع لازم، یکی از چالش‌های جدی آموزش و پرورش امروز ماست. این رویکرد، تاکنون پیامدهای ناپاییده متعددی به همراه داشته است که مهم‌ترین آن می‌تواند کاهش کیفیت آموزشی به ویژه در مدارس دولتی باشد. مدارس دولتی به عنوان اصلی‌ترین ارائه‌دهنده خدمات آموزشی در کشور، امروز نمی‌توانند ایفاگر نقش حیاتی خود در تربیت نسل آینده و پیشرفت همه جانبه کشور باشند و همچنان با چالش‌هایی مانند کمبود چشمگیر منابع، کیفیت نازل امر آموزش و یادگیری، عدم توجه به نیازهای زمانه دانش‌آموزان و مهم‌تر از همه ضعف کارشناسی و مدیریتی روبرو هستند. دلایل متعددی در بروز این مسئله نقش داشته‌اند. فشارهای سیاسی و اجتماعی برای گسترش دسترسی به آموزش، فقدان برنامه جامع و راهبردی برای مواجهه معقول با این فشارها و توسعه آموزش و پرورش، کمبود منابع مالی و به تبع آن قربانی شدن امر

واحد برگزار کننده نشست:	دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی
	کیفیت در سایه رشد بی‌رویه کمیت‌ها، برخی از این دلایل به شمار می‌روند؛ تا جایی که به نظر می‌رسد، در مسائل مهمی همچون کیفیت معلمان، مواد آموزشی و زیرساخت‌های آموزشی اکنون با بحران جدی مواجه هستیم. بی‌شک، پیامدهای گسترش بی‌رویه آموزش و پرورش علاوه بر مسئله کیفیت در ابعاد گوناگون، منجر به توزیع ناعادلانه منابع، طبقاتی شدن مدارس و گرایش به سمت تقسیم‌بندی مدارس بر اساس سطح اقتصادی-اجتماعی دانش‌آموزان، افزایش هزینه‌های آموزشی و کاهش انگیزش معلمان و سایر ذینفعان داخلی و بیرونی آموزش و پرورش شده است. به نظر می‌رسد برنامه پیشنهادی بتواند در جهت یکی از محورهای حساس و خطیر تحصیلی که نظام آموزشی دوره متوسطه است، بر بنیان مبانی استدلالی در نظر گرفته شده و بهره‌مندی از دیدگاه صاحب‌نظران برجسته موضوعی، زمینه پویاسازی و برون‌رفت از چالش‌های کنونی را فراهم سازد.
سازمان‌های هدف توصیه سیاستی:	نهاد ریاست جمهوری، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی آموزش و پرورش، وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری مجلس شورای اسلامی و سازمان سنجش آموزش کشور

چکیده مباحث مطرح‌شده (مقدمه، چالش‌ها و مشکلات پیش رو):

طرح پیشنهادی، ساختار آموزشی ایستا و بدون انعطاف را به ساختاری پویا و با انعطاف معقول تبدیل می‌کند؛ و امکان نوسازی مستمر محتوای آموزشی را فراهم می‌سازد. به جای تربیت تک بعدی دانش‌آموز به همه ابعاد وجودی او توجه می‌کند. هم به تکوین هویت مشترک توجه دارد و هم به تکوین هویت فردی. به جای تربیت دانش‌آموزی همواره متکی به معلم، به تربیت دانش‌آموزی در نهایت، خود یادگیرنده تمایل دارد. به جای دانش‌اندوزی بر تعمیق فرهنگ دانش‌پژوهی تأکید می‌کند. حتی جلوتر می‌رود و به جای فرهنگ به اشتراک گذاشتن دانش، به خلق اشتراکی دانش توجه دارد. به حقوق معلمان در انتخاب روش‌های تدریس و ارزشیابی، احترام می‌گذارد و مدیریت آمرانه و دستوری را به مدیریت مشارکتی سوق می‌دهد. برخلاف نظام‌های سنتی که دانش‌آموزان را یا به شاخه نظری یا به شاخه فنی

حرفه‌ای هدایت می‌کنند، طیفی از دروس نظری و فنی حرفه‌ای ایجاد می‌کند که دانش‌آموزان با توجه به علایق و استعدادهای خود جای مناسب خویش را می‌یابند. همچنین، این طرح درصدد است به طبقاتی شدن مدارس به شیوه‌ای معقول پایان دهد، یا دست کم آن را تعدیل کند. استفاده بهینه از منابع را تشویق کند؛ بستری مناسب برای اصلاح نظام گزینش دانشجو فراهم آورد؛ بین آموزش و پرورش و اشتغال و آموزش و پرورش و اجتماع پیوندی مستمر ایجاد کند؛ و در مجموع، به ارتقاء کیفیت و بسط عدالت در جامعه کمک کند.

مبنای استدلالی چنین رویکردی ریشه در عبرت‌آموزی از اقدامات گذشته و نگاه نوآورانه و تحولی به آینده است. آن‌گونه که بررسی‌های ما نشان می‌دهد نظام‌های برنامه‌ریزی درسی آموزش و پرورش در دهه‌های متعدد همگام با مصوبات شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش از نظام‌های معروف به سالی به پیش‌دانشگاهی و سالی واحدی و نیز بازگشت به نظام قدیم ابتدایی و متوسطه اول و دوم در گذار بوده و همواره دستخوش تغییرات گوناگونی شده است. از آنجایی که ما امروزه شاهد تغییرات نسلی، اجتماعی، فرهنگی، زیستی و فناوری و ... در جامعه هستیم، برنامه‌ریزی‌های گذشته پاسخگوی نیازهای فعلی دانش‌آموزان، دبیران و معلمان نیست. به همین دلیل، تغییر در نظام آموزش متوسطه کنونی بسیار ضروری و حائز اهمیت به نظر می‌رسد. نظام پیشنهادی که در این نشست ارائه، تحلیل و مورد نقد قرار گرفت، مبتنی بر پویاسازی و قابلیت انعطاف در برنامه درسی در مقطع متوسطه و به تبع آن در مقطع آموزش عمومی است که بر این اساس، نقاط قوت و ضعف آن مطرح گردید و پیشنهادهایی جهت اصلاح بعضی از مفاد موجود در آن ارائه گردید. از جمله تمرکز بر مهارت‌های اجتماعی، هوش مصنوعی، چند فرهنگی، هنر، سواد دیجیتال و مهارت‌های پژوهشی، تقویت روحیه نقادی، هویت فردی و همچنین، بر این مسئله مهم تأکید شد که استعدادیابی و پرورش آن باید در آموزش و پرورش عمومی نیز مورد توجه قرار گیرد؛ چرا که در این دوره نیز پرورش استعدادهای دانش‌آموزان بسیار اهمیت دارد و ضرورت آن اجتناب‌ناپذیر است. در این نشست همچنین موضوعاتی مانند پرورش معلمان کارآزموده جهت پاسخگویی به نیازهای فعلی و آینده مورد تأکید قرار گرفت.

از ساختار پیشنهادی انتظار می‌رود که از یک سو، موانع پیش‌روی مدیران، معلمان و کارشناسان را برای دستیابی به آموزش و پرورشی با کیفیت و متناسب با شرایط و روزگار و ویژگی‌ها و نیازهای نسل جدید دانش‌آموزی از میان بردارد و از سوی دیگر، نظام آموزشی و مدرک‌دهی را انسجام و انتظام بخشد. انتظار می‌رود با تصویب و اجرای درست این مصوبه، همراه با اصل توجه به شایسته‌سالاری در انتصاب یا انتخاب مسئولان آموزش و پرورش، بازنگری در محتوای برنامه‌های درسی، آموزش مدیران و معلمان مدارس و... شاهد بهبود نشانگرهای آموزشی به ویژه در ارتباط با موارد زیر باشیم:

- ۱- نرخ اشتغال به تحصیل (یا کاهش تعداد بازماندگان از تحصیل)
- ۲- نرخ‌های مرتبط با کارایی درونی نظام آموزش متوسطه
- ۳- نرخ‌های مرتبط با کارایی بیرونی نظام آموزش متوسطه
- ۴- نرخ بهره‌وری از منابع مالی، مادی و نیروی انسانی
- ۵- نرخ بهره‌وری از تخصص دبیران در تدریس (و سایر نیروها)
- ۶- برابری دستیابی به فرصت‌های تحصیل در دوره متوسطه
- ۷- مشارکت سایر دستگاه‌های دولتی و بخش خصوصی در آموزش دروس تخصصی دوره متوسطه

توصیه‌های سیاستی:

یک. مسئله، علل و عوامل مؤثر بر پویاسازی نظام آموزشی دوره متوسطه و پیامدهای آن
نظام آموزشی در دوره دوم متوسطه ایران به صورت سالی- رشته‌ای است؛ یعنی، دانش‌آموزان پس از پایان دوره آموزش و پرورش عمومی در یکی از رشته‌های تحصیلی شاخه‌های مختلف نظری، فنی حرفه‌ای و مهارتی تحصیل می‌کنند. برنامه هفتگی همه دانش‌آموزان در سرتاسر ایران با فرهنگ‌ها و منابع مختلف یکسان است. از نظر شیوه ارزشیابی از دانش‌آموزان نیز تقریباً همانند دوره اول متوسطه است، با این تفاوت که مردودی وجود ندارد؛ یعنی دانش‌آموز کلاس دهم یا یازدهم حتی اگر در هیچ درسی نمره قبولی نیاورد به کلاس بالاتر می‌رود! ولی باید در امتحانات دروس افتاده سال قبل هم شرکت کند!

ایراد اصلی چنین ساختاری این است که خشک و بدون انعطاف و ایستا است؛ که نه تنها با تحولات عصر پرشتاب علوم و فناوری همراه نمی‌شود بلکه، خود مانع بزرگی در برابر این تحولات است و موجب عقب‌ماندگی جامعه می‌گردد. از سوی دیگر، ساختار فعلی بسیاری از اصول طراحی ساختار برنامه‌ریزی درسی عدالت محور از قبیل توجه به توانایی‌ها و استعدادهای فردی، شخصی‌سازی یادگیری، آموزش متمایز، شیوه‌های آموزشی متناسب با فرهنگ، توالی محتوا، ارتباط و معناداری، انسجام و... را نیز نادیده می‌گیرد و ایجاد انعطاف را، به ناچار، در روش‌هایی مانند جهش تحصیلی، تشکیل مدارس خاص برای استعدادهای متفاوت و... جستجو می‌کند و دانش‌آموزان مناطق دوردست را نیز یا از تحصیل محروم می‌کند یا به رشته‌هایی خاص سوق می‌دهد.

بسیاری از صاحب‌نظران آموزش و پرورش از دیرباز متوجه برخی از معایب آن شده‌اند و بی‌دلیل نبود که ساختار نظام نیم سالی - واحدی برای برنامه‌ریزی درسی دوره متوسطه، در سال ۱۳۶۷، به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید. این تصمیم اگرچه با بسیاری از اصول ساختار برنامه‌ریزی درسی انطباق داشت، بدون توجه به بسترهای اجرایی، منابع در دسترس آموزش و پرورش، فرهنگ جامعه و آثار جانبی آن گرفته شد که در نهایت پس از چند سال، اجرای آن متوقف شد. پس از یک سو، نظام سنتی موجود (نظام سالی - رشته‌ای) پاسخگوی دنیای امروز نیست و از سوی دیگر ساختار برنامه‌ریزی نظام واحدی در کشوری مانند ایران قابلیت اجرایی ندارد و معقول هم نیست؛ زیرا دانش‌آموز را از یک محیط بسته به محیطی کاملاً باز پرتاب می‌کند.

دو. در جستجوی راه چاره بر مبنای یک چارچوب تحلیلی مبتنی بر داده‌ها و شواهد

خوشبختانه، ما مجبور به انتخاب یکی از دو نظام نیم‌سالی - واحدی (با انعطاف کامل) یا سالی (بدون انعطاف) برای ساختار برنامه درسی دوره متوسطه نیستیم و می‌توانیم بین این دو، ساختارهایی با انعطاف‌های متفاوت را هم در نظر بگیریم. اگر خوب دقت کنیم می‌توان گفت نظام سالی (مانند آنچه در مدارس ابتدایی و متوسطه ایران در جریان است) حالتی خاص از نظام واحدی (مانند نظام دانشگاهی ایران) است. فرض کنیم دانش‌آموزان در یک نظام آموزشی سه ساله سالی؛ هر سال ۳۲ ساعت در هفته تحصیل می‌کنند، مثل این است که آن‌ها در یک نظام واحدی با ۹۶ واحد درس (با تعریف هر واحد درسی یعنی یک ساعت تحصیل در هفته در طول سال) ثبت‌نام کرده‌اند و

موظف‌اند هر سال ۳۲ واحد مشخص را به صورت یک بسته اجباری انتخاب کنند و چنانچه درمجموع، در آن بسته بزرگ مردود شدند، آن بسته را تکرار کنند و چنانچه درمجموع، آن بسته بزرگ را با موفقیت گذراندند، بسته بزرگ بعدی را انتخاب کنند. در واقع، همان‌گونه که شکل ۱ نشان می‌دهد نظام سالی همان نظام واحدی با انعطاف صفر خواهد بود.



با این توضیح می‌توان برای دوره متوسطه دوم، ساختاری را انتخاب کرد که مثلاً ۲۵ درصد انعطاف داشته باشد (و البته در صورت صلاحدید می‌توان به مرور، با فراهم شدن شرایط و امکانات بر انعطاف آن افزود) و از آنجا که انعطاف نظام واحدی، بیشتر برای دروس انتخابی و اختصاصی ضرورت دارد می‌توان این انعطاف ساختاری را برای آن دروس در نظر گرفت. بر مبنای توضیحات یادشده، توصیه‌های سیاستی با امعان نظر به عملی و قابل اجرا بودن آن و این که در عمل قابلیت پیاده‌سازی داشته باشد و نیز با لحاظ محدودیت‌های موجود از نظر مالی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و با تمرکز بر ارائه راه‌حل‌های جایگزین برای مسئله پویاسازی نظام آموزش متوسطه، به نحوی که تصمیم‌گیرندگان امکان انتخاب مناسب‌ترین گزینه را داشته باشند، اقدام شد.

به نظر می‌رسد به دو روش می‌توان الگوی پیشنهادی را ارائه کرد:

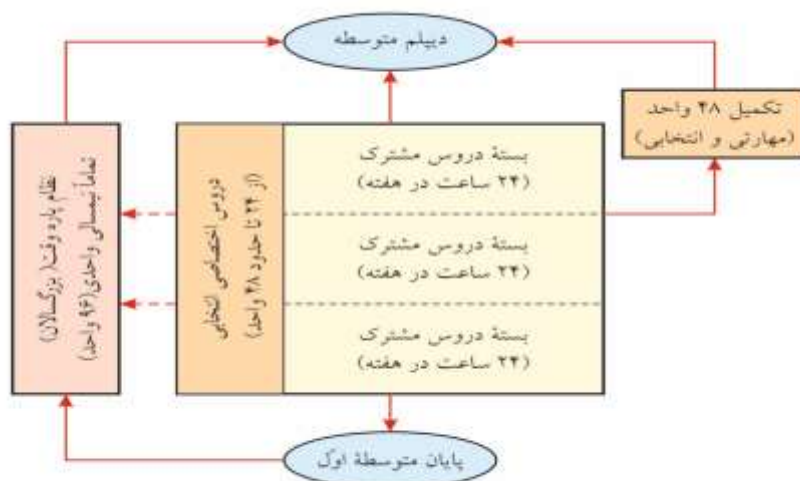
روش نخست: نظام آموزشی دوره متوسطه، نظام واحدی است و هر دانش‌آموز پس از گذراندن ۹۶ واحد درسی، موفق به اخذ گواهینامه پایان دوره متوسطه می‌شود.

تبصره: در هریک از پایه‌های تحصیلی (اول، دوم و سوم)، ۲۴ واحد درس مشترک به صورت یک بسته بزرگ اجباری در قالب نظام سالی به دانش‌آموزان ارائه می‌شود. بقیه دروس (۲۴ واحد) در طول سه سال به صورت واحدی و تک درسی ارائه خواهد شد که شامل دروس اختصاصی انتخابی خواهد بود. با این توضیح که هر واحد درسی معادل یک ساعت تحصیل در هفته در طول سال یا دو ساعت تحصیل در هفته در نیمسال (و یا معادل آن) است.

فصل دوم: توصیه‌های سیاستی نشست‌ها به تفکیک ... ۱۹۲

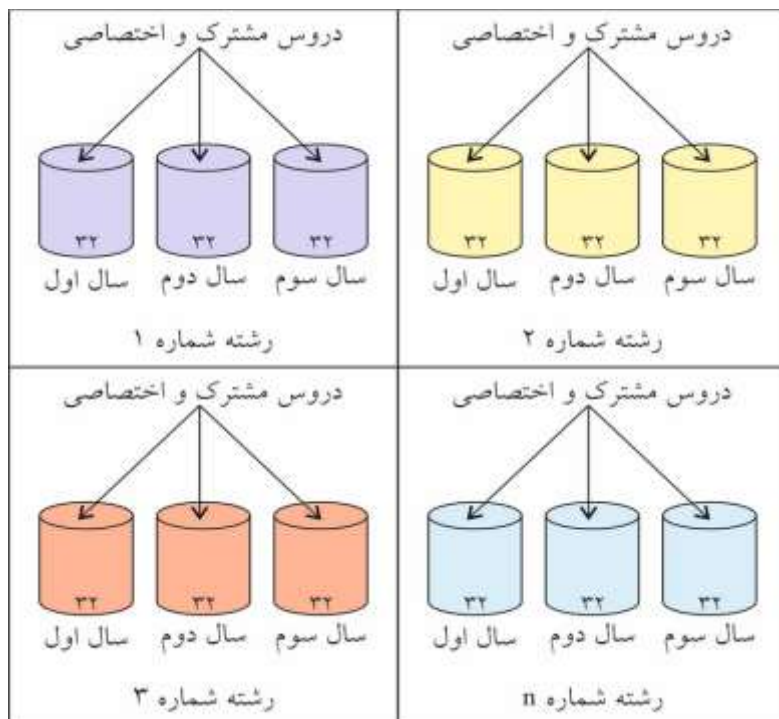
روش دوم: نظام آموزشی دوره متوسطه، نظام سالی است. دانش‌آموزان در هر پایه (اول، دوم و سوم) ۲۴ ساعت در هفته تحصیل خواهند کرد. محتوای آموزش برای همه دانش‌آموزان یکسان خواهد بود.

تبصره: به دانش‌آموزی گواهینامه پایان تحصیلات دوره متوسطه اعطا می‌شود که علاوه بر گذراندن دوره سه ساله، حداقل ۲۴ واحد درسی را که شامل دروس اختصاصی انتخابی خواهد بود (و به صورت تک درسی ارائه می‌شوند) با موفقیت بگذراند یا گذرانده باشد.

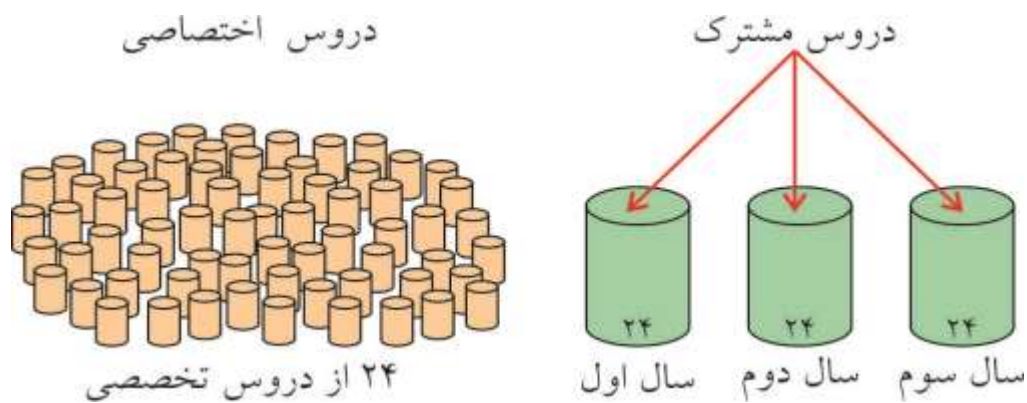


شکل ۲- الگوی پیشنهادی برای ساختار دوره متوسطه

اکنون می‌توان بر مبنای شکل ۳ و ۴ تفاوت دو شیوه برنامه‌ریزی درسی در نظام سنتی (سالی - رشته‌ای) و نظام پیشنهادی را به تصویر کشید:



شکل ۳- برنامه‌ریزی درسی در نظام سنتی (سالی- رشته‌ای)



شکل ۴- برنامه‌ریزی درسی در نظام پیشنهادی

در واقع در هر سال تحصیلی در نظام سنتی (سالی - رشته‌ای) به دانش‌آموزان، ظرف بزرگی محتوای دروس مشترک و اختصاصی متناسب با رشته آن‌ها ارائه می‌شود؛ در حالی که در الگوی پیشنهادی، دروس مشترک در ظرف کوچک‌تری نسبت به ظرف‌های نظام سالی - رشته‌ای ارائه می‌شود و هر دانش‌آموز مجاز است متناسب با علاقه و استعداد خود تعدادی از دروس اختصاصی را نیز که در ظرف‌های بسیار کوچک ریخته می‌شوند، انتخاب کند. در الگوی پیشنهادی، می‌توان به تعداد ظرف‌های کوچک با محتواهای جدی، دائماً افزود و به هدف نوسازی مستمر برنامه‌های درسی نائل آمد. از سوی دیگر، می‌توان با این الگو به دانش‌آموزان ممتاز و به دانش‌آموزان مدارس مناطق محروم اجازه داد از ظرف‌های کوچک (دروس اختصاصی) تعداد بیشتری انتخاب کنند که به معنی توجه به عدالت آموزشی خواهد بود.

بدیهی است، می‌توان با این الگوی پیشنهادی رشته‌های مختلف تحصیلی نیز داشت و دروس اختصاصی انتخابی هریک از رشته‌ها را مشخص کرد؛ لکن به نظر می‌رسد در دنیای جدید نیازی به ایجاد رشته‌های تحصیلی در دوره متوسطه (جز برای برخی رشته‌های خاص مهارتی) نیست و بهتر است دانش‌آموزان در انتخاب دروس، آزادی عمل داشته باشند.

می‌توان پیش‌بینی کرد که با الگوی پیشنهادی و با توجه به این که به دانش‌آموز حق انتخاب درس داده می‌شود، فارغ‌التحصیلانی باشند که مثلاً در درس ریاضی قوی‌تر از دیپلمه‌های ریاضی فعلی باشند، یا در درس ادبیات فارسی قوی‌تر از دیپلمه‌های رشته ادبیات و علوم انسانی باشند یا به موضوع خاصی مثل زبان خارجی، مکانیکی، موسیقی، نقاشی و... متمرکز شده باشند و یا ترکیبی از دروس حوزه‌های مختلف را گذرانده‌اند.

ذکر چند نکته ضروری

۱- دروس مشترک، ماهیتی پرورشی - آموزشی و دروس اختصاصی - انتخابی، ماهیتی آموزشی - پرورشی خواهند داشت. در اولی اصل بر این است که آموزش حضوری و متکی به معلم باشد؛ در دومی، آموزش می‌تواند بدون معلم و با اتکا به فناوری‌های نوین و سایر تکنیک‌های مکمل نیز انجام گیرد.

۲- آموخته‌های خارج از مدرسه دانش‌آموزان، (علمی، هنری، ورزشی، مهارتی، زبان خارجه و...) خواه آموخته‌های قبل از ورود به دوره متوسطه دوم و خواه حین آن، به عنوان واحدهای اختصاصی انتخابی پذیرفته خواهند شد و این بدان معنی است که دانش‌آموزان می‌توانند متناسب با شرایط و با رعایت مقررات، دروس اختصاصی انتخابی را به روش‌های مختلف (در مدرسه دولتی، در آموزشگاه‌های خصوصی بیرون از مدرسه، به صورت آنلاین، مجازی، استاد شاگردی، خود یادگیری و) بگذرانند.

۳- دانش‌آموزان مستعد مدارس مناطق محروم اجازه خواهند داشت به جای ۲۴ واحد درس اختصاصی انتخابی، تعداد بیشتری از آن دروس را طی دوره سه ساله متوسطه دوم بگذرانند که به استقرار عدالت آموزشی کمک خواهد کرد.

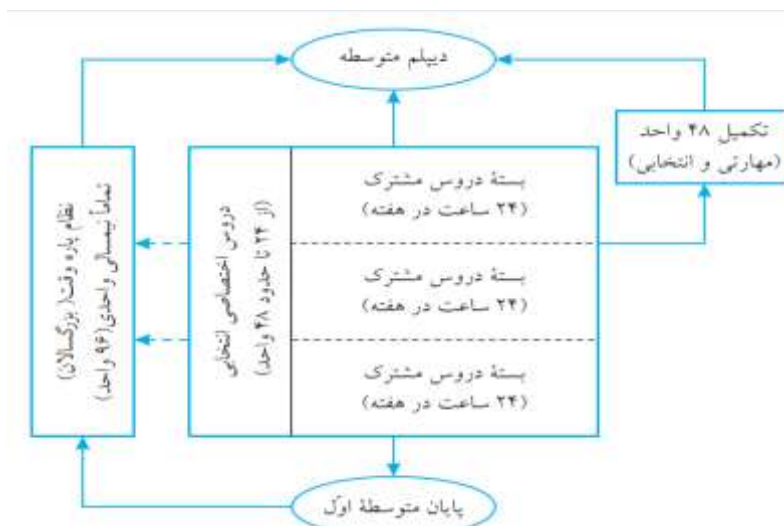
۴- با توجه به وجود انعطاف در الگوی پیشنهادی، از ایجاد مدارس خاص برای استعدادهای برتر (جز در موارد استثنایی که قانون مقرر کرده است) جلوگیری خواهد شد؛ در عوض به دانش‌آموزان ممتاز و سرآمد مدارس عادی اجازه داده خواهد شد که تعداد واحدهای بیشتری از دروس اختصاصی انتخابی را متناسب با استعداد، علائق و توانایی‌های خود انتخاب کنند.

۵- به دانش‌آموزان علاقه‌مند به انتخاب دروس اختصاصی انتخابیِ مهارتی بیشتر از ۲۴ واحد، اجازه داده می‌شود به جای تحصیل در پایه سوم متوسطه (۲۴ واحد دروس مشترک)، معادل آن یعنی ۲۴ واحد دیگر از دروس مهارتی مورد علاقه خود را انتخاب کنند تا از مهارت حرفه‌ای بالاتری برخوردار شوند.

۶- هر دانش‌آموز حق دارد ۲۴ واحد درس اختصاصی انتخابی را در مدرسه دولتی به صورت حضوری تحصیل کند (که برای دانش‌آموزان مستعد مناطق محروم و دانش‌آموزان ممتاز بیشتر خواهد بود). با توجه به امکان ارزش‌گذاری آموخته‌های خارج از مدرسه ممکن است تعداد واحدهای گذرانده یک دانش‌آموز در دوره متوسطه بیش از ۹۶ واحد باشد که منعی نخواهد داشت و مطلوب هم خواهد بود. این کار، به کارفرمایان در انتخاب شاغل، معیارهای

اضافه و جدیدی را فراهم خواهد کرد و به دانش‌آموزان نیز در انتخاب دروس متناسب با بازار کمک خواهد نمود.

۷- نظام آموزشی دوره متوسطه دوم برای بزرگسالان (نظام پاره‌وقت - شبانه) برای همه دروس اعم از مشترک و اختصاصی انتخابی، نیم‌سالی - واحدی و تک درسی خواهد بود و دانش‌آموزان انتقالی از دوره روزانه به این دوره از گذراندن مجدد دروسی که از آن‌ها نمره قبولی کسب کرده‌اند (اعم از دروس مشترک یا اختصاصی انتخابی) معاف خواهند بود. (با این توضیحات، ساختار پیشنهادی نهایی برای برنامه‌ریزی درسی به صورت شکل ۵ در خواهد آمد).



شکل ۵- الگوی پیشنهادی برای ساختار دوره دوم متوسطه (الگوی نهایی)

۸- از آنجا که شیوه آموزش در عصر جدید باید به صورت تعاملی، فعال و با تأکید بر کارگروهی باشد و به جای ایجاد رقابت بین دانش‌آموزان، بر تعمیق فرهنگ رفاقت و دوستی و به جای دانش‌اندوزی بر دانش‌پژوهی و به جای حفظ مطالب درسی، بر کاربرد آموخته‌ها در زندگی و به جای به اشتراک گذاشتن دانش، بر خلق اشتراکی دانش تأکید شود، نظام

امتحانی نیز باید متناسب با آن متحول شود و تا حد ممکن از برگزاری امتحانات هماهنگ و نهایی سنتی پرهیز شود که مانعی برای تحقق اهداف مذکور است. همچنین لازم است با فراهم شدن شرایط، در کارنامه دانش آموز علاوه بر عملکرد تحصیلی، عادات کاری، همکاری و ارتباطات، رفتار و نگرش و آراستگی و وقت‌شناسی دانش آموز نیز لحاظ شود و تا حد امکان از مقایسه دانش آموزان با یکدیگر پرهیز گردد.

۹- مدارس دوره متوسطه دوم را با این طرح پیشنهادی می‌توان به روش‌های مختلف سازمان‌دهی کرد. یکی از آن‌ها ایجاد مجتمع آموزشی با مدرسه متوسطه فراگیر مرکزی (جایگاه ارائه دروس تک درسی اختصاصی- انتخابی) و مدارس اقماری (جایگاه ارائه دروس مشترک در قالب نظام سالی) است که بازدهی مدارس را افزایش می‌دهد. به مدرسی که به این روش سازمان‌دهی شده باشند، اختیارات قابل توجهی داده می‌شود و این مجتمع‌ها زیر نظر مستقیم ادارات کل استان‌ها فعالیت خواهند کرد و اختیارات ادارات آموزش و پرورش مناطق برای این مدارس محدود به امور نظارتی خواهد شد. (بدیهی است مجتمع می‌تواند برخی از دروس اختصاصی انتخابی را در صورت فراهم بودن شرایط در مدارس اقماری ارائه کند یا در شرایط خاص ممکن است مدرسه اقماری دیگری برای ارائه دروس اختصاصی انتخابی هم داشته باشد). روش‌های دیگری هم برای سازمان‌دهی مدارس می‌توان در نظر گرفت، از جمله:

الف- افزودن دروس انتخابی اختصاصی به دروس مشترک از سوی مدارس و ارائه آن‌ها با برنامه ثابت هفتگی.

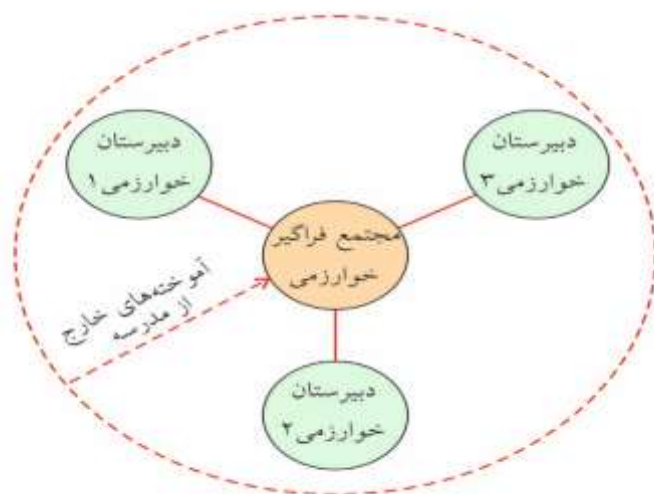
ب- ارائه دروس مشترک در نوبت صبح و ارائه دروس اختصاصی در نوبت بعدازظهر همان مدرسه.

پ- ارائه دروس مشترک در مدرسه و ارائه دروس اختصاصی به صورت آموزش مجازی، غیرحضوری، در مدرسه‌ای خاص و ...

فصل دوم : توصیه‌های سیاستی نشست‌ها به تفکیک ... ۱۹۸

مناسب‌ترین الگوی اجرایی در هر منطقه آموزشی، همان خواهد بود که نیازهای منطقه و دانش‌آموزان را پاسخ می‌دهد؛ ولی می‌توان پیش‌بینی کرد که برنامه ریزان آموزش و پرورش، الگوی آموزشگاه فراگیر مرکزی و دبیرستان‌های اقماری را بر سایر روش‌ها ترجیح خواهند داد که در این صورت بهتر است دانش‌آموزان پس از اتمام دوره متوسطه اول، در آموزشگاه فراگیر ثبت‌نام شوند؛ سپس متناسب با محل سکونت دانش‌آموز و ظرفیت دبیرستان‌ها و با رعایت هماهنگی در تراکم کلاس‌ها، نسبت به توزیع آن‌ها در دبیرستان‌ها اقدام شود.

منطقی آن است که مجتمع‌های فراگیر آن‌گونه که شکل ۷ نشان می‌دهد از استقلال نسبی در امور مالی و جذب نیروی انسانی و امور اداری برخوردار باشند و در حوزه برنامه‌ریزی درسی هم به مرور اختیاراتی به آن‌ها داده شود.



شکل ۷- سازمان‌دهی مدارس دوره متوسطه دوم به صورت مجتمع

ساختار پیشنهادی برای برنامه‌ریزی درسی دوره متوسطه به گونه‌ای است که اهم اصول ساختار برنامه‌ریزی درسی عدالت محور را مدنظر قرار داده است و انتظار می‌رود با اجرای

درست آن، نظام آموزشی ایستای دوره متوسطه به نظامی پویا تبدیل شود و بتواند خود را با شرایط و روزگار سازگار کند و نیازی به تغییرات دفعی و انقلابی در آینده نباشد.

سه. امکان تعمیم به دوره‌های تحصیلی دیگر

با پذیرش نظام سالی به عنوان حالتی خاص از نظام واحدی (با انعطاف صفر)، می‌توان الگوی پیشنهادی را به همه دوره‌های تحصیلی از ابتدایی تا دکتری تعمیم داد.

الف - در دوره ابتدایی دانش‌آموزان در هر سال تحصیلی در واقع یک درس بزرگ ۲۴ واحدی را متشکل از مواد درسی مختلف (۲۴ ساعت در هفته در طول سال) می‌گذرانند. انعطاف در این دوره را می‌توان با انعطاف در محتوی و با فعالیت‌های فوق‌برنامه فراهم کرد. (انعطاف ساختاری در واقع صفر است)

ب - در دوره متوسطه اول، می‌توان در هریک از پایه‌های تحصیلی یک بسته ۲۴ واحدی ارائه داد و (علاوه بر انعطاف در محتوی و فعالیت فوق‌برنامه) ۶ واحد هم به صورت تک درسی در نظر گرفت. این واحدهای انتخابی را می‌توانند مناطق آموزشی متناسب با نیازهای محلی و منطقه‌ای تعیین کنند، یا خود مدارس مشخص کنند و یا این که اختیار انتخاب را می‌توان به دانش‌آموزان داد. هریک که انتخاب شود، نباید این دروس به منزله دروس تخصصی تلقی شود بلکه، باید بیشتر از نوع دروس هنری، فرهنگی، ورزشی و... باشد و گرنه مواجهه برخی از دانش‌آموزان را با طیف وسیعی از موضوعات محدود می‌کند و موجب تخصصی شدن زود هنگام تحصیل می‌گردد که از عوارض آن محدود شدن رشد دانش‌آموزان در سایر زمینه‌هایی است که به آن‌ها ورود نکرده‌اند و در نتیجه مانع رشد همه جانبه و کلی آن‌ها

خواهد شد. از سوی دیگر، ارائه دروس انتخابی اختصاصی در این دوره، موجب تشدید نابرابری دستیابی به فرصت‌های تحصیلی به افراد با پیشینه‌های مختلف خواهد شد و در ادامه نیز به نابرابری‌ها خواهد افزود.

ارائه بسته مشترک به دانشجویان کمک خواهد کرد تا در انتخاب و تغییر رشته بهتر عمل کنند. ارائه دروس انتخابی که می‌تواند از دروس اختصاصی سایر رشته‌های دانشکده و یا حتی دروس آزاد باشد در دنیای امروز از ضروریات است که علاوه بر کمک به دانشجو در انتخاب درس متناسب با واقعیات کار، به رشد خلاقیت آن‌ها کمک خواهد کرد و به شکل‌گیری ایده‌های نوین خواهد انجامید. (انعطاف ساختاری بین ۶۵ تا ۸۰ درصد است)

اتخاذ این الگو برای دوره‌های کارشناسی تربیت معلم و دبیر، این حسن را نیز دارد که معلمان در همان نظامی تربیت می‌شوند که خود بعداً در مدارس مجری آن خواهند بود.

۲۰۱ توصیه‌های سیاستی دانشگاه علامه طباطبائی به ...

ث - در دوره کارشناسی ارشد ضرورت ارائه بسته مشترک در گروه درسی مرتبط کمتر است و احتمالاً در صورت نیاز، یک بسته ۱۲ ساعتی در نیمسال اول یا ۶ ساعت در هفته در طول سال (۱۲ واحد) کافی خواهد بود؛ اما دروس انتخابی در این دوره به میزان حداقل ۶ واحد درسی ضروری به نظر می‌رسد. (انعطاف ساختاری ۸۵ تا ۱۰۰ واحد است)

ج - در دوره دکتری لزومی به ارائه دروس مشترک احساس نمی‌شود و انعطاف ساختاری ۱۰۰ خواهد بود.

چ - برای بزرگسالان در همه دوره‌های تحصیلی ساختار نیم سالی واحدی با انعطاف ۱۰۰ توصیه می‌شود.

بر مبنای نکات یاد شده توصیه‌های سیاستی مبتنی بر محورهای اصلی و تخصصی این نشست به شرح ذیل مطرح می‌شود که بر گرفته از متن تفصیلی پیش‌نویس پیشنهادی پیوست به عنوان مصوبه نظام جدید آموزش متوسطه کشور است و خوانش دقیق مفاد متن یاد شده ابعاد و زوایای هریک از توصیه‌های سیاستی نه گانه را در قالب ۵۵ ماده، ۱۴ تبصره و توضیحات تکمیلی چندگانه نمایان می‌سازد.

۱- هدف و ساختار برنامه‌ریزی درسی دوره متوسطه

۲- ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، شرایط ارتقا و مدرک دهی

۳- تألیف کتاب‌های درسی و مواد آموزشی

۴- تقویم اجرایی مدارس

۵- سازمان‌دهی مدارس

۶- کنکور (ورود به دانشگاه)

۷- شیوه اجرای طرح

۸- آینده طرح

۹- نظام اداری و تصمیم‌گیری